

باسمه تعالی

اوصاف نود و نه گانه حضرت علی(ع) در احتجاج با پنج تن از اهل شوری برای اولویت خود پس از وفات عمر بن خطاب (الإحتجاج علی أهل اللجاج /مرحوم طبرسی، ترجمه جعفری ج ۱ : ص ۲۷۸)

عمر و بن شمر از جابر بن یزید جعفی و او از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: هنگامی که زمان وفات عمر بن خطاب فرا رسید و امر خلافت را به شوری مقرر نمود به دنبال شش نفر که علی بن ابی طالب علیه السلام و عثمان بن عفان و زبیر بن عوام و طلحه بن عبید الله و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص بودند فرستاد و دستور داد که آنان در اطاقی نشسته و در پیرامون خلافت با هم مشاوره کرده، و از میان خودشان یکی را که سزاوارتر و اولی تر می بینند انتخاب نمایند، و از آن مکان بیرون نروند تا با یکی بیعت کنند، و هر گاه یک یا دو نفر در طرف اقلیت واقع شده و از موافقت اکثریت و بیعت آن کسی که از طرف اکثریت انتخاب می شود امتناع نمایند: کشته شوند. و در نهایت مجلس به نفع عثمان تمام شد.

پس هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام تلاش جمع را در بیعت عثمان دید، برای اتمام حجت و روشن شدن حقیقت برخاسته و فرمود: گفتار مرا بشنوید و چنانچه آن حق و درست بود بپذیرید و اگر باطل و نادرست بود آن را انکار کنید، سپس فرمود:

۱- شما را به خدا سوگند! همان خدایی که بر صدق و کذب شما واقف است آیا در میان شما جز من کسی هست که بر دو قبله نماز گزارده باشد؟ گفتند: نه.

۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که دو بار بیعت کرده باشد، یکی بیعت فتح، و دیگری بیعت رضوان؟ گفتند: نه.

۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که برادرش مزین به دو بال در بهشت باشد؟ گفتند: نه.

۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که عمویش سید الشهداء باشد؟ گفتند: نه.

۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که همسرش بانوی زنان عالمیان باشد؟ گفتند: نه.

۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که دو فرزندش دو فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و آن دو آقای جوانان بهشتی باشند؟ گفتند: نه.

۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که ناسخ را از منسوخ قرآن تشخیص دهد؟ گفتند: نه.

۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که خداوند رجس و ناپاکی را از او دور ساخته و او را پاک مطهر گردانیده باشد؟ گفتند: نه.

۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که جبرئیل را در مثال دحیة الکلبیّ دیده باشد؟ گفتند: نه.

۱۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که در حال رکوع زکات داده باشد؟ گفتند: نه.

۱۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله روی چشمانش را مسح نموده و در روز خیبر رایت اهل اسلام را به او داده باشد و پس از آن دیگر هیچ گرمی و سردی را نبیند؟ گفتند: نه.

۱۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در غدیر خمّ به اذن خداوند با دست مبارک خود بلند کرده و بفرماید: «هر که من مولای اویم علی مولای اوست، خداوندا با دوست او دوست و با دشمن او دشمن باش!»؟ گفتند: نه.

۱۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حضر و رفیق او در سفر باشد؟ گفتند: نه.

۱۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که در غزوه خندق با عمرو بن عبد ودّ نبرد کرده و او را بقتل برساند؟ گفتند: نه.

۱۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره اش فرموده باشد: «تو در نزد من همچون هارون در نزد موسی می باشی جز آنکه پس از من پیامبری نباشد»؟ گفتند: نه.

۱۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که خداوند او را در ده آیه از قرآن؛ مؤمن خوانده باشد؟ گفتند: نه.

۱۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که از رسول خدا صلی الله علیه و آله مشتکی خاک گرفته و آن را بر روی کفّار انداخته و آنان تار و مار شوند؟ گفتند: نه.

۱۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که فرشتگان در روز جنگ احد با او ایستادگی نموده تا همه کفار فرار کردند؟ گفتند: نه.

۱۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که دین رسول خدا صلی الله علیه و آله را ادا کرده باشد؟ گفتند: نه.

۲۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که بهشت مشتاق دیدار او باشد؟ گفتند: نه.

۲۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله حضور داشته باشد؟ گفتند: نه.

۲۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله را غسل داده و دفن و کفن کرده باشد؟ گفتند: نه.

۲۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله طلاق همسرانش را بدست او سپرده باشد؟ گفتند: نه.

۲۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بر دوش مبارک خود سوار نموده که به بالای بام بیت الله الحرام برای شکستن بتها رفته باشد؟ گفتند: نه.

۲۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که در کارزار بدر منادی حضرت حق بنام او ندا کرده باشد که «لا سیف إلا ذو الفقار و لا فتی إلا علی»؟ گفتند: نه.

۲۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله مرغ بریان شده‌ای که به هدیه برای آن حضرت آورده بودند تناول کند؟ گفتند: نه.

۲۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد که: «تو صاحب علم و رأیت من در دنیا و آخرتی»؟ گفتند: نه.

۲۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که برای نجوای رسول خدا صلی الله علیه و آله صدقه‌ای را پیش فرستاده باشد؟ گفتند: نه.

۲۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که نعلین رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوخته باشد؟ گفتند: نه.

۳۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: «من برادر تو و تو برادر من هستی»؟ گفتند: نه.

۳۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: «تو محبوبترین خلق و راستگوترین ایشان به من هستی»؟ گفتند: نه.

۳۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که صد دلو آب را در برابر صد دانه خرما بکشد و آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بخوراند و خود گرسنه باشد؟ گفتند: نه.

۳۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل همراه با سه هزار فرشته دیگر در کارزار بدر بر او سلام کرده باشند؟ گفتند: نه.

۳۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را [هنگام وفات] بر هم نهاده باشد؟ گفتند: نه.

۳۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا قبل از من کسی در میان شما هست که خداوند را به یگانگی شناخته باشد؟ گفتند: نه.

۳۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که پیش از همه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده و آخر همه از نزد او خارج شود؟ گفتند: نه.

۳۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که پس از قدم زدن با رسول خدا صلی الله علیه و آله و گذر بر باغی بگوید: چه باغ زیبایی! و آن حضرت به او بفرماید: «و باغ تو در بهشت زیباتر از این است» و این سخن پس از گذر از سه باغ از جانب آن رسول گرامی تکرار شود؟ گفتند: نه.

۳۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو گفته باشد: «تو نخستین فردی هستی که به من ایمان آورده و تصدیقم نمودی، و تو نخستین فردی هستی که به روز قیامت بر حوض بر من وارد خواهی شد»؟ گفتند: نه.

۳۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که دست او و همسر و دو پسرش را گرفته باشد و برای مباحله با مسیحیان اهل نجران همراه خود ببرد؟ گفتند: نه.

۴۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره او به انس گفته باشد: «اولین فردی که از این در بر شما وارد شود، هم‌آمیر المؤمنین و آقای مسلمین، و بهترین اوصیاء و افضل مردم است» و انس بگوید: خدایا آن فرد را مردی از انصار قرار بده، و من وارد شوم و

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بفرماید: «ای انس تو اولین مردی نیستی که قوم و خویش خود را دوست دارد»؟ گفتند: نه.

۴۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که آیه: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا** - إلخ در باره او نازل شده باشد؟ گفتند: نه.

۴۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که خداوند آیه: **إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا** تا آخر را در باره او و فرزندانش نازل کرده باشد؟ گفتند: نه.

۴۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که خداوند آیه: **أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ** را در باره او نازل کرده باشد؟ گفتند: نه.

۴۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله او را هزار کلمه تعلیم کرده باشد، که هر کلمه از آنها مفتاح و کلید هزار کلمه دیگر باشد؟ گفتند: نه.

۴۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در روز طائف با او نجوی و تکلم نموده باشد و ابو بکر و عمر به آن حضرت عرض کنند: ای پیامبر شما تنها با علی تکلم کردی نه با ما، و پیامبر به آن دو بفرماید: «من از خود با او نجوی نکردم بلکه به امر حضرت حق این کار را کردم»؟ گفتند: نه.

۴۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله را از مهراس سیراب ساخته باشد؟ گفتند: نه. (مترجم گوید: در کتاب نهاییه ابن اثیر گوید: «در روز احد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله تشنه شد، و علی از آب مهراس برای او آورد، و آن حضرت از آن نوشیده و صورت خون آلود خود را با آن شستشو داد» و مهراس صخره گودی است که آب زیادی را در خود جای می دهد، و نیز گفته: مهراس در این حدیث نام آبی در احد می باشد).

۴۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به او فرموده باشد: «تو از همه مردم در روز قیامت به من نزدیکتری، و به واسطه شفاعت تو به تعداد افراد قبیله ربیع و مضر وارد به بهشت گردند»؟ گفتند: نه. (مترجم گوید: عرب را رسم بر این بوده که جماعت و تعداد بسیار زیاد را با تشبیه به قبیله ربیع و مضر که از قبائل پر جمعیت بوده ذکر می کرده است).

۴۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به او فرموده باشد: «ای علی هر گاه من لباس جدید پوشم تو نیز ملبس به لباس جدید گردی»؟ گفتند: نه.

۴۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره او فرموده باشد: «تو و پیروانت در روز قیامت رستگار و فائز خواهید بود»؟ گفتند: نه.

۵۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره اش فرموده باشد: «دروغ می گوید کسی که پندارد مرا دوست دارد در حالی که علی را دوست نمی دارد»؟ گفتند: نه.

۵۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: «هر کس این چند تار موی مرا دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که مرا دوست بدارد در اصل خدا را دوست داشته است» و از آن حضرت پرسیده شد: ای رسول خدا، منظور شما از آن چند دانه تار مو کیست؟ فرمود: «علی، و حسن، و حسین و فاطمه»؟ گفتند: نه.

۵۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: «تو بهترین آفریده پس از پیامبران می باشی»؟ گفتند: نه.

۵۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: «تو فاروقی، که میان حق و باطل را جدا می کنی»؟ گفتند: نه.

۵۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده باشد: «تو از لحاظ کردار و عمل در روز قیامت از همه خلائق پس از انبیاء برتر و افضل می باشی»؟ گفتند: نه.

۵۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله کساء و شمد خود را بر او و همسر و دو فرزندش کشیده و فرموده باشد: «خدایا من و اهل بیتم را به سوی بهشت خود فرا خوان نه به آتش»؟ گفتند: نه.

۵۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در غار؛ آذوقه فرستاده و از اخبار باخبرش ساخته باشد؟ گفتند: نه.

۵۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «هیچ سرّ و رازی از تو پوشیده نیست»؟ گفتند: نه.

۵۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «تو برادر و وزیر و مصاحب من در اهل منی»؟ گفتند: نه.

۵۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «تو اقدم امت در اسلام و افضل آنان در علم و از همه حلیم و بردبارتری»؟ گفتند: نه.

۶۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که پهلوان یهودی مرحب را در روز خیبر با نبرد تن به تن از پای در آورده باشد؟ گفتند: نه.

۶۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله اسلام را بدو عرضه دارد و او تا کسب تکلیف از والدین خود مهلت طلبد و پیامبر بدو فرماید: آن بصورت امانت نزد تو باشد، و من بگویم: چنانچه آن امانت است پس من اسلام آوردم؟ گفتند: نه.

۶۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که درب خیبر را یک صد ذرع حمل نموده و پس از فتح قلاع خیبر چهل نفر هم نتوانند آن را بدوش کشند؟ گفتند: نه.

۶۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که آیه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجِيتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ** در شأن او نازل شده و من بودم که صدقه را تقدیم نمودم؟ گفتند: نه.

۶۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره اش فرموده باشد: «هر که علی را سب و دشنام گوید مرا سب گفته، و هر که مرا سب و دشنام دهد چنان است که خداوند را سب نماید»؟ گفتند: نه.

۶۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «جایگاه و منزل تو در بهشت روبروی جایگاه من است»؟ گفتند: نه.

۶۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «هر که با تو بجنگد با خدا جنگیده، و هر که با تو دشمنی کند چنان است که به خداوند دشمنی ورزیده»؟ گفتند: نه.

۶۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که هنگام **هجرت پیامبر** به مدینه در جای خواب آن حضرت خسبیده و جان خود را در برابر هجوم مشرکین برای قتل آن جناب فدا کند؟ گفتند: نه.

۶۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «تو برترین فرد برای امت پس از من هستی»؟ گفتند: نه.

۶۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «تو بروز قیامت در قسمت راست عرش بوده و خداوند دو لباس به تو خواهد پوشاند: یکی سبز و دیگری سرخ»؟ گفتند: نه.

۷۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که هفت سال و چند ماه پیش از همه مردم نماز گزارده باشد؟ گفتند: نه.

۷۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «من بروز قیامت دست به دامن خداوند خواهم بود و آن نور است، و تو دست بدامن من خواهی بود و اهل بیت من دست به دامن تو خواهند بود»؟ گفتند: نه.

۷۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «تو مانند خود منی، و دوستی تو دوستی من و دشمنی با تو دشمنی با من است»؟ گفتند: نه.

۷۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «ولایت من همچون ولایت تو است، این عهدی است که خداوند با من گذارده و مرا مأمور به ابلاغ آن فرموده است»؟ گفتند: نه.

۷۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره او فرموده باشد: «بار خدایا او را برای من یار و پشتوانه و یاور ساز»؟ گفتند: نه.

۷۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «مال و ثروت، رهبر ستمکاران و تو پیشوای اهل ایمانی»؟ گفتند: نه.

۷۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره او فرموده باشد: «حتما بسوی شما فردی را می فرستم که خداوند قلب او را به ایمان آزموده است»؟ گفتند: نه.

۷۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو اناری خورنده و فرموده باشد: «این از انارهای بهشت است که جز پیامبر یا وصی پیامبر هیچ کس حق خوردن آن را ندارد»؟ گفتند: نه.

۷۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «هر چه از خدا درخواست نمودم عطا فرمود، و هر چه دعا کردم مانند همان را برای تو نیز مسألت نمودم»؟ گفتند: نه.

۷۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «تو از همه به دستورات الهی فرمانبرتری، و به عهد پروردگار وفادار- تری، و در احکام قضا از همه عالمتری، و در تقسیم به مساوات از همه برتری، و از همه در نزد خداوند لایقتری»؟ گفتند: نه.

۸۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بدو فرموده باشد: «فضل و برتری تو بر این امت در مثال همچون فضیلت خورشید بر ماه بوده، و همچون فضیلت ماه بر ستارگان است»؟ گفتند: نه.

۸۱- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بدو فرموده باشد: «ای علی، خداوند دوستدار تو را به بهشت رهنمون و دشمن تو را به جهنم می‌فرستد»؟ گفتند: نه.

۸۲- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بدو فرموده باشد: «مردمان از درختان گوناگونند و من و تو از یک درخت واحدیم»؟ گفتند: نه.

۸۳- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بدو فرموده باشد: «من آقای بنی آدم می‌باشم و تو آقای عرب هستی و هیچ فخری نیست»؟ گفتند: نه.

۸۴- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که خداوند موجبات رضایت خود را از او در دو آیه از قرآن بیان داشته باشد؟ گفتند: نه.

۸۵- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بدو فرموده باشد: «موعد تو موعد من است و موعد شیعیان تو حوض است، در هنگامی که میزان بر پا شده و همه مردم در خوف و هراسند»؟ گفتند: نه.

۸۶- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در باره‌اش فرموده باشد: «خداوندا من او را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار، خداوندا من او را به تو می‌سپارم»؟ گفتند: نه.

۸۷- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بدو فرموده باشد: «تو حجّت مردمانی، پس ایشان را به اقامه نماز، و پرداخت زکات، و امر به معروف و نهی از منکر و برپائی حدود و تقسیم به مساوات راهنمایی و ارشاد نما»؟ گفتند: نه.

۸۸- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله دست او را در روز غدیر خمّ بالا گرفته تا آنجا که مردم زیر بغلش را ببینند و فرموده باشد: «بدانید که این پسر عموی من و وزیر من است پس او را یاری نموده و همفکری کنید و او را تصدیق نمائید زیرا همو است که پس از من سرپرست شما است»؟ گفتند: نه.

۸۹- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که آیه: **وَ يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانْ بِهٖمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُّوقِ شَحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** «حشر/۹» در شأن او نازل شده باشد؟ گفتند: نه.

۹۰- فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که فرشته وحی؛ جبرئیل یکی از میهمانان او باشد؟ گفتند: نه.

۹۱- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او حنوطی از حنوط بهشت عطا نموده و بفرماید: آن را سه قسمت کن، قسمتی را برای تحنیط من و قسمتی را برای دخترم فاطمه و باقی را برای خودت بردار؟ گفتند: نه.

۹۲- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که هر گاه خدمت پیامبر شرفیاب می شد آن حضرت به او تحیت می کرد و به نزدیک خود جای داده و مرحبا می فرمود، و اظهار بشاشت و شکفتگی در روی او می نمود؟ گفتند: نه.

۹۳- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «من به روز قیامت به تو مباحات می کنم وقتی که انبیاء به اوصیای خود مباحات می کنند؟» گفتند: نه.

۹۴- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را با سوره برائت به اذن خداوند به سوی مشرکین اهل مکه فرستاده باشد؟ گفتند: نه.

۹۵- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد:

«هر آینه من به تو رحم می کنم از حقد و کینه ای که در سینه این جماعت علیه تو پنهان است، و آن را تا پیش از مرگ من ظاهر نکنند، و پس از من مخالفت خود را با تو ظاهر سازند؟» گفتند: نه.

۹۶- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد: «امیدوارم خدا امانت تو را ادا فرماید، امیدوارم خداوند ذمه تو را پرداخت فرماید؟» گفتند: نه.

۹۷- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد:

«تو قسمت کننده آتش هستی، کسی را که پاک و پرهیزکار است از آتش بیرون آورده و مخالفین و کفار را در آتش رها می کنی؟» گفتند: نه.

۹۸- فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که قلعه خیبر را فتح نموده و دختر مرحب یهودی را به اسارت تحویل رسول خدا صلی الله علیه و آله داده باشد؟ گفتند: نه.

۹۹-فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو فرموده باشد:

«تو و شیعیانت بر سر حوض بر من وارد شوید، در حالی که سیراب و خوشحال و سفید روی باشید، و دشمنان تو در حالی بنزد من آیند که تشنه و سوخته و سیاه روی باشند»؟ گفتند: نه.

سپس امیر المؤمنین علیه السلام روی به اهل شوری کرده و فرمود: در صورتی که همه آنچه گفتم مورد تصدیق شما بوده و بدان اقرار دارید و از فرمایش پیامبرتان بر شما آشکار گردید، پس رعایت تقوای خداوند واحد بی شریک را نموده، و از سخط و غضب و معصیت خداوند بپرهیزید، و از وصایا و عهود رسول خدا صلی الله علیه و آله تخلف نکرده، و حقوق الهی را رعایت نموده، و حق را به اهل آن وا گذاشته و از روش پیامبرتان پیروی نمائید، زیرا اگر مخالفت کنید در اصل به خدا عصیان ورزیده‌اید، پس خلافت را به کسی که سزاوارتر است واگذارید.

امام صادق علیه السلام فرمود: آن جماعت پس از فکر و مشاورت با خود گفتند: ما به فضل او پی بردیم، و دانستیم که او از همه به خلافت شایسته‌تر است، ولی او مردی است که هیچ کس را بر دیگری تفضیل ندهد، و اگر او را خلیفه کنید شما و دیگر مردم را به یک نگاه می‌نگرد، ولی بهتر است خلافت را به عثمان دهید زیرا او همان است که شما بدان میل دارید. پس امر خلافت را بدو واگذار نمودند!!